

یک حرف هزار حرف

شخصیت نه ابتدال



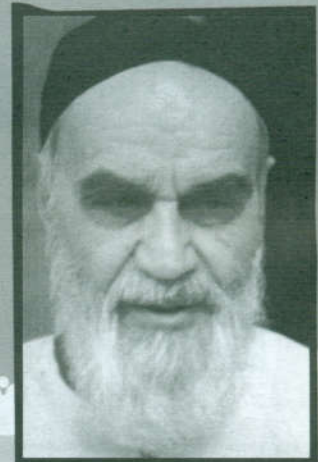
وقتی که ما به متن اسلام مراجعه می کنیم، می بینیم نتیجه آن چه که اسلام در مورد زن می خواهد، شخصیت است و گرانبها بودن. در پرتو همین شخصیت و گرانبهائی، عفاف در جامعه مستقر می شود، روان ها سالم باقی می مانند، کانون های خانوادگی در جامعه سالم می مانند، و رشید از کار در می آید.

گرانبها بودن زن به این است که بین او و مرد در حدودی که اسلام مشخص کرده، حریم باشد، یعنی اسلام اجازه نمی دهد که جز کانون خانوادگی، یعنی صحنه اجتماع، صحنه بهره برداری و التذاذ جنسی مرد از زن باشد چه به صورت نگاه کردن به بدن و اندامش، چه به صورت لمس کردن بدنش، چه به صورت استنشام عطر زنانه اش و یا شنیدن صدای پایش که اگر به اصطلاح به صورت مهیج باشد، اسلام اجازه نمی دهد. ولی اگر بگوئیم علم، اختیار و اراده، ایمان و عبادت و هنر و خلاقیت بطور می گوید بسیار خوب، مثل مرد. چیزهایی را شارع حرام کرده که به زن [نیز] مربوط است، آن چه را که حرام نکرده، بر هیچکدام حرام نکرده است. اسلام برای زن، شخصیت می خواهد، نه ابتدال.



ارزش و کرامت زن در اسلام

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت های زن در داخل خانواده تکیه می کند، به هیچ وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت های عمومی مردم منع کند. عده ای بد و یا کج فهمیدند؛ یک عده معرض هم از این کج فهمی استفاده کردند؛ کانه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش ها و فعالیت های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این طوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه زهرا سلام الله علیها مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شؤون مختلف. زینب کبری نمونه دیگر است. زن های معروف صدر اسلام و زن های برجسته، نمونه های دیگرند؛ این ها در جامعه بودند و حضور داشتند. نفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزی های القاء شده به عنوان تکریم زن در تمدن غرب؛ این ها با هم آمیخته شده و یک جریان غلط ذهنی و فکری به وجود آورده. زن در داخل خانواده، عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است؛ شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده - که حوضچه آرامش زندگی پُرچالش و پُر تلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام می گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می کند. آن وقت نقش او به عنوان همسر، به عنوان مادر، به عنوان دختر خانواده، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینه ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی کرد.

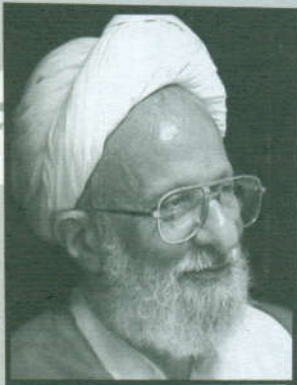


حضور زن در همه شؤون از نظر اسلام

زن ها را در دوره های اخیر منحط کردند، از خیانت های بزرگی که به ملت ما شد این بود که نیروی انسانی ما را از دست گرفتند. نیروی جوانان ما را به عقب راندند، نیروی بانوان ما را به عقب راندند، بانوان ما جنگجو بودند، این ها خواستند ننگ جو باشند! و خدا نخواست. این ها اهانت به مقام زن کردند. این ها می خواستند زن را مثل شیء، مثل یک متاع به این دست و آن دست بگذارند. اسلام زن را مثل مرد در همه شؤون - در همه شؤون - همان طوری که مرد در همه شؤون دخالت دارد زن هم دخالت دارد. همان طوری که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب کند. زن ها نباید ملعبه دست جوان های هرزه بشوند. زن ها نباید مقام خودشان را منحط کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بیایند و در انتظار مردم فاسد قرار بگیرند. زن ها باید تقوا داشته باشند. زن ها مقام کرامت دارند. زن ها اختیار دارند، همان طوری که مرد ها اختیار دارند.

زن مربی انسان

خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مرد ها در حدود این که فساد بر آن ها راه نیابد دارد، در زن ها هم دارد. همه برای صلاح شماست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آن ها که زن ها را می خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوان های فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زن ها نباید گول بخورند، زن ها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزک کرده بیرون برود با سر باز و لخت؛ این مقام زن نیست، این عروسک بازی است نه زن. زن باید شجاع باشد، زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم ساز است، زن مربی انسان است.



فاطمه

حجت و الگوی امامان

فاطمه، استمرار اسوه حسنه [پیامبر اکرم] است و این است رمز و راز آن که سیره فاطمه برای همه امامان از نسل او، اسوه حجت و الگو می گردد؛ «ما (امامان معصوم) حجت خداوند بر مردمان هستیم و فاطمه، حجت (خداوند) بر ما». اسوه گری سیره فاطمه سلام الله علیها، چنان در اوج یگانگی است که مولای عدل گستر ما که جهانی چشم انتظار اوست تا ظهور نماید و الگوی همگان در تمام ابعاد وجودی انسان گردد، فاطمه را اسوه نیکوی زندگانی خویش معرفی می فرماید؛ همانا در دختر رسول خدا برای من، الگویی شایسته وجود دارد.

فاطمه الگوی زندگانی من است، نه از آن جهت که مادر من است؛ بلکه بدین جهت که دختر رسول خداست و استمرار وجود او؛ پاره وجود رسول خداست و اسوه پذیری از وی، همان اسوه پذیری از رسول خداست و در یک کلام: اسوه پذیری از فاطمه، همان امتثال فرمان خدا در اسوه پذیری از رسول خداست.

ای وجود اقدس روح و روان مصطفی. مصطفی معبود را جانان، تو جان مصطفی. فاطمه نه تنها الگوی زنان، که الگوی تمام جهانیان است. اسوه گری فاطمه هر چند برای زنان، دربردارنده یگانه ترین و زیباترین جلوه هاست؛ اما اسوه گری او ویژه زنان نیست، هر چند روز ولادت فاطمه، افتخار بخش تمام زنان عالم گردیده و روز زن نامیده شده است؛ اما روز ولادت او، افتخار بخش همه مردان و زنان جهان و جلوه نمای تمام مکارم اخلاقی است.